



Promotion of Civic Life Based on the Waqf Rules of Sepahsalar (Shahid Motahhari) Mosque-School at the Range of Baharestan Square

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Rohani Ghoochani F.*¹ MA,
Diba D.¹ PhD,
Nasirsalami M.R.¹ PhD

How to cite this article

Rohani Ghoochani F, Diba D, Nasirsalami M.R. Promotion of Civic Life Based on the Waqf Rules of Sepahsalar (Shahid Motahhari) Mosque-School at the Range of Baharestan Square. *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2018;8(2): 91-99.

¹Architect Department, Architect & Urbanism Faculty, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Imam Hassan Boulevard, Poonak Square, Ashrafi Isfahani Highway, Tehran, Iran. Postal Code: 1469669191
Phone: -
Fax: -
fr.arax@gmail.com

Article History

Received: April 04, 2018
Accepted: July 27, 2018
ePublished: September 22, 2018

ABSTRACT

Introduction A valuable texture is a texture that, in addition to antiquity, has a comprehensive look at unity, historical origin, architecture, and future, as well as its social and economic environment. The Sepahsalar mosque-school (founded in 1296 lunar) is one of these “valuable” monuments that has continued to exist and is now abandoned between modern development and today’s architecture. This building was built and supervised by Mirza Hossein Khan Sepahsalar; and the complex and decorations, which are the masterpieces of the Qajar era architecture and the 13th century of the lunar era, have now been abandoned without regard to the Waqf rules. The aim of this study was to evaluate the promotion of civic life based on the Waqf rules of Sepahsalar (Shahid Motahhari) mosque-school at the range of Baharestan square and to achieve a practical response to save this urban texture based on the ideas presented.

Conclusion A complex like Sepahsalar mosque-school can be a model in contemporary architecture for a traditional and modern look, and successful mosques play an important role in introducing the responsibility of the government in providing the welfare of the people. Foresight in urban management can lead to community education in familiarizing their rights with social partnerships. Mosques and religious centers should be the heart and soul of the spiritual and imaginative cities and neighborhoods, and should along with cultural institutions, be the most magnificent and most prominent symbol of Islamic cities, and at the same time combine greatness with delicacy and simplicity. Without knowledge of Islamic principles, meanings, and resources, designers and planners will not be able to create a “Built Environment” that is completely in line with Islamic principles.

Keywords Civil Life; Waqf Rules; Shahid Motahhari Mosque-School; Valuable Texture; The Range of Baharestan Square

CITATION LINKS

[1] History of Sepahsalar high school [2] Iranian architects: From the early era of Islam to the late Qajar [3] Iranian architecture of the Islamic period [4] Baharestan in the history [5] The idea of progress and the rule of law, Sepahsalar era [6] Isfahan School Meeting: Proceedings of Architecture and Urban Planning [7] Islamic urban design and architecture (The pretrial bases) [8] Traditional Islamic principles of built environment [9] Islamic monuments of Mecca and Madina [10] Introduction of Ibn Khaldun. Parvin Gonabadi M, translator [11] Islamic architecture: Form, function, and meaning [12] An Introduction to Islamic Identity in Architecture [13] Library catalog of Sepahsalar high school [14] Public services and other innovations [15] Dignity platform to know Imamate (Minhaj al-karama fi ma’rifat al-imama) [16] The history of the West’s cultural invasion and the role of the affiliated intellectuals [17] Urban elements of traditional Islamic cities [18] From city to city: Historical analysis of city concept and its physical appearance, thinking and effects [19] The dominant role of early general patterns in the design of contemporary residential districts [20] The newspaper of Eyn al-Ssaltaneh memories [21] Sepahsalar mosque and school [22] Waqf nameh Rabe Rashidi [23] The sufficient book (Kitab al-Kafi) [24] Baharestan square: Experience of innovation in urban space of Iran

ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) در گستره میدان بهارستان

فاطمه روحانی قوچانی * MA

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

داراب دیبا PhD

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدرضا نصیرسلامی PhD

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: بافت باارزش، بافتی است که علاوه بر قدمت، نگاهی جامع به وحدت، اصالت تاریخی، معماری و آینده‌نگری و همچنین حیات اجتماعی و اقتصادی پیرامون خود داشته باشد. مسجد - مدرسه سپهسالار (تاسیس در سال ۱۲۹۶ قمری) یکی از این بناهای "ارزشمند" است که تاکنون به حیات خود ادامه داده و در حال حاضر میان توسعه جدید و معماری امروزی رها شده است. این بنا با درایت و نظارت میرزا حسین‌خان سپهسالار ساخته شده و مجموعه بنا و تزئینات که از شاهکارهای معماری عصر قاجار و قرن سیزدهم قمری است، اکنون بدون توجه به وقفنامه مورد بی‌مهری قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) در گستره میدان بهارستان و دست‌یابی به پاسخی عملی برای نجات بخشی این بافت شهری براساس ایده‌های مطرح شده بود.

نتیجه‌گیری: ترکیبی مانند مسجد - مدرسه سپهسالار می‌تواند الگویی در معماری معاصر برای تحقق نگاه سنتی و مدرن باشد و مساجد موفق نقش مهمی در شناساندن مسئولیت دولت در تامین رفاه مردم بر عهده دارند. آینده‌نگری در مدیریت شهری می‌تواند به تربیت جامعه در آشنایی با حقوق خویش و همکاری اجتماعی منجر شود. مساجد و مراکز مذهبی باید قلب و کانون روح‌بخش و معنویت‌آفرین و تفکربرانگیز شهرها و محلات باشند و لازم است در کنار نهادهای فرهنگی، باشکوه‌ترین و برجسته‌ترین نماد شهرهای اسلامی باشند و در عین حال عظمت را با لطافت و سادگی توأم نمایند. طراحان و برنامه‌ریزان، بدون آگاهی از اصول اسلامی، معانی و منابع آنها قادر به ایجاد یک "ساخت محیط" کاملاً منطبق با اصول اسلامی نخواهند بود.

کلیدواژه‌ها: حیات مدنی، وقفنامه، مسجد و مدرسه شهید مطهری، بافت ارزشمند، گستره میدان بهارستان

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۵

* نویسنده مسئول: fr.arax@gmail.com

مقدمه

مسجد - مدرسه سپهسالار نخستین و بزرگ‌ترین مسجد و مدرسه عالی در تهران است. این مسجد و مدرسه که در متانت اساس، منظره عالی و ساحت دلگشایی دارد، اولین و بزرگ‌ترین مسجد و مدرسه عالی پایتخت به شمار می‌رود^[۱]. میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۶ قمری تاسیس آن را آغاز کرد و پس از درگذشت وی، برادرش بحیی‌خان مشیرالدوله کار را ادامه داد تا آن که ساخت این بنا در سال ۱۳۰۲ قمری به پایان رسید.

این بنا صحن بسیار مفرحی دارد و نمونه کاملی از معماری مدارس دوران قاجار و قرن سیزدهم قمری است^[۲] و دو طبقه ساختمان دارد که به شکل چهارایوانی ساخته شده است. بنای مسجد مربع‌شکل با ابعاد ۶۰×۶۰ متر است که گنبدی عظیم به ارتفاع ۳۷ متر، یک شبستان، هشت گلدسته و مناره دارد. تمام نمای

خارجی بنا با کاشی‌های هفت‌رنگ تزئین شده است^[۳].

مجموعه‌ای که مسجد - مدرسه سپهسالار در آن بنا شده در اوایل دوره قاجاریه به‌صورت زمینی بایر و باغ‌های نیمه‌آباد در خارج از محدوده شرقی تهران آن روزگار بوده است. بناهای سپهسالار در منطقه‌ای قرار داشتند که جنوب غربی آنها را تهران در بر گرفته بود و در امتداد محله‌های دولت و عودلاجان قرار داشت. در شرق تا دوشان‌تپه، به‌جز قسمتی که شامل باغ سردار بود، سایر اراضی تقریباً خالی از سکنه بودند^[۴]. این محدوده شامل بخشی از زمین‌های مشهور به باغ سردار بود که توسط میرزا حسین‌خان سپهسالار فزونی خریداری و برای بنای خانه مسکونی وی در نظر گرفته شد، طرحی که در نهایت صورت کلی‌تر و جامع‌تری به خود گرفت. شرح آن در ادامه ذکر شده است.

تاکنون درباره ابعاد تجددخواهی میرزا حسین‌خان سپهسالار فراوان گفته و نوشته شده است، به‌طوری که بدون تردید وی را باید یکی از پیشگامان نوگرایی در دوره ناصری به شمار آورد^[۵]، اما در این میان بخشی از نگاه وی که ترکیبی از نگاه سنت‌گرایانه شیعی و نوخواهی مدرن است که خود را در یک مجموعه معماری بسیار بدیع، فاخر و ابتکاری نشان داد، تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته تا آنجا که مهم‌ترین هدف این واقف خیر را در حد بنیان‌گذاری مکتب‌خانه‌ای برای اطفال (که به‌ویژه در آن علوم دینی را آموزش دهد)^[۴] نازل داده‌اند.

برخلاف آنچه تصور می‌شود این مجموعه معماری شامل خانه وی همراه با یک مسجد - مدرسه است، پایه این ادعا طرحی است که سپهسالار برای طراحی یک محله در یک باغ - زمین با محوریت مسجد - مدرسه داشت. مدارس به‌منزله یکی از ارکان اصلی سازمان‌های شهری به‌وسیله قشرهای مختلفی مانند علما و مدرسان، سلاطین و ثروتمندان ساخته می‌شدند و علاوه بر کارکرد آموزش مذهبی، در بسیاری از اوقات نقش سیاسی اجتماعی نیز داشتند^[۶]. پژوهش حاضر به چگونگی ابعاد شکل‌گیری این مسجد - مدرسه و تاثیر آن بر نوعی توسعه شهری به‌صورت ایجاد مرکزی برای یک محله تازه با جمعیتی قابل توجه، بر محور این مسجد - مدرسه براساس وقفنامه آن پرداخت، زیرا آیین و سنتی مانند وقف که به انحاء مختلف در جای‌جای این مرز و بوم رایج است، با شدت و ضعف متفاوت، علاوه بر آن که نوعی مشارکت مردمی در حل معضلات جامعه را به نمایش می‌گذارد، نوعی فرهنگ‌سازی نیز است^[۷].

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) در گستره میدان بهارستان و دست‌یابی به پاسخی عملی برای نجات بخشی این بافت شهری براساس ایده‌های مطرح شده بود.

در آغاز در رابطه با چگونگی شکل‌گیری این بنای اسلامی و اهداف بانیان آن توضیحاتی داده شد. سپس با استفاده از منابع علمی، مطالعه تطبیقی تجربه‌های مشابه و نیز با توجه به شاخص‌های فرهنگی و مذهبی محیط‌ها و محلات مدنی - شیعی، با تحلیل دستاوردهای حاصل از پژوهش حاضر، به سؤال‌ها پاسخ داده شد. این طرح پژوهشی به‌منظور بررسی شکل‌گیری و روند گسترش این بخش از تهران که در نقشه عبدالغفار به نام "محله دولت" شناخته می‌شد، شکل گرفت.

بیان مساله

حیات اجتماعی اسلام، بر محور مسجد شکل می‌گیرد و این تقلیدی است که مسلمانان در طول تاریخ، از اقدام رسول خدا^(ص) در شهر مدینه انجام داده‌اند. بعدها پس از تاسیس شهر یا محلی جدید، در درجه نخست، محل مسجد معین می‌شد. بر این اساس، ساخت یک مسجد، در محلات نوساز، به‌معنای ایجاد یک محله جدید بر محور آن و

پیشینه پژوهش

تاکنون بررسی‌ها روی مسجد و مدرسه سپهسالار، بیشتر با نگاه زیبایی‌شناسی بوده و کمتر به بررسی اسناد موجود از آن و وقفنامه پرداخته شده است. اصل این وقفنامه در کتابخانه مدرسه موجود است و نخستین بار گویا توسط مرحوم *ابوالقاسم سحاب* در کتاب تاریخ مدرسه عالی سپهسالار [1] منتشر شده است. بار دیگر متن آن در کتاب اسناد معماری ایران منتشر شد.

ارکان شخصیت سپهسالار به‌عنوان طراح بنا

سپهسالار مدرن: چنان که گفته شد این بنا برگرفته از ذهن مردی است که با توجه به سوابق شغلی، فرهنگی و اجتماعی، مردی همزمان متدین، مذهبی و در عین حال متجدد بود. چنین شخصیتی در عرصه‌های مختلف فرهنگ، اجتماع و به‌ویژه جنبه‌های زندگی مدنی، تلاش می‌کند تا افکار و ایده‌های ترکیبی خود را در تمامی رفتارهای خود نشان دهد. بنای یک خانه اعیانی در کنار مسجدی که به دلیل برخورداری از مناره‌های چندگانه و ساعتی که تهرانیان تا آن روز نمونه‌اش را فقط بر فراز شمس‌العماره دیده بودند، از مسجدهای پیشین اسلامی متفاوت بود و از سوی دیگر، ایجاد فضاهای باز در اطراف چهاردیواری اختصاصی، همگی نشان‌دهنده یک نوع تحول اساسی در مجموعه‌سازی تهران بود [4].

تصویری که از این شخص در منابع تاریخی دوره قاجاری وجود دارد، نشانگر آن است که وی در دوره اقامت طولانی خود در عثمانی، با بسیاری از اصلاحات آشنا شد و از تلاش‌های صورت‌گرفته در ایجاد فضاهای آموزشی و دینی که در استانبول صورت می‌گرفت، الگوبرداری کرد. مرحوم *سپهسالار* در نقشه‌کشی، طرز معماری و وضع ساختمان این بنای بزرگ شکل، بنا و نقشه ابنیه شرقی اسلامی را در نظر داشت و در حقیقت در این بنا حسن سلیقه معماری دوره اخیر شرقی به‌حدی که بایست انجام شده است [1].

آنچه در عثمانی در سال‌های اقامت وی (۸۳-۱۲۷۵ قمری) صورت گرفته، همزمان بر نگاه سنتی و در عین حال توسعه نوگرایی به شرط عدم لطمه‌زدن به دین اصرار دارد. ایجاد دانشگاه‌هایی که هم رنگ و روی مذهبی داشته و هم درون آنها آموزش‌های نو و مدرن باشد یکی از مهم‌ترین ایده‌ها است. تا آنجا که فرض شده هر گاه یکی از طلاب مدرسه به تحصیل علم طب مایل باشند، حکیم‌باشی باید روزی تا سه درس از کتب طبی برای آنها (طلاب) بگوید و از گفتن اشتباهات طلاب مضایقه نکند [1].

انگیزه او از ایجاد چنین طرحی، ساخت یک مرکز عالی دینی و علمی بود که می‌بایست بر تدریس علوم عقلی، نقلی و ادبی تأکید کند. مندرجات وقفنامه مدرسه که به مهر *سپهسالار* و علمای زمان او تأیید شد، گواه از انگیزه‌های والای او برای توسعه علم و دانش توسط مدرسان و طلاب این مدرسه دارد. *ابن یوسف شیرازی* می‌نویسد: "مقصود اصلی رادمرد واقف این بوده که در ایران موسسه‌ای چون الازهر مصر و دانشگاه‌های اروپا ایجاد کند، تا علوم عقلیه، نقلیه و ادبیه را حافظ باشد" [13]. این خواسته بعدها عملی شد و دانشکده معقول و منقول در سال ۱۳۱۰ شمسی زیر نظر وزارت معارف و اوقاف در مدرسه عالی سپهسالار افتتاح شد. بر این اساس در سال ۱۳۱۰ شمسی برنامه درسی و تحصیلاتی مدرسه سپهسالار مطابق با ساختار جدید تنظیم و از سوی شورای عالی معارف تصویب شد [4].

همچنین در بسیاری از موارد دیگر این اتفاق افتاد و *سپهسالار* با اقتباس از تجربه اسلامی - غربی عثمانی‌ها، سعی کرد در دوره صدارت خود (۹۰-۱۲۸۸ قمری) به اصلاحاتی دست بزند و با ایجاد موسسات و نهادهای نو در جهت اصلاح جامعه قاجاری، آنچه را در عثمانی به چشم

براساس اصل دسترسی به مسجد است. فقهای مسلمان نیز در این موضوع اتفاق نظر دارند که هر منطقه مسکونی بایستی یک مسجد داشته باشد تا امکان اجرای تکالیف مذهبی و مذهبی - اجتماعی برای ساکنین فراهم آید [8].

به‌طور کلی چهار نوع مسجد برای یک مسلمان قابل تصور است که شامل مسجد محله، مسجد مرکزی (مسجدی در شهر برای نمازگزاران شهر با عنوان مسجد جامع)، مسجد مصلاهی (به‌منظور مراسم نماز عید برای تمامی مردم یک منطقه) و در نهایت مسجدالحرام (برای حضور همه مسلمانان) هستند [9].

اصولاً در شهرسازی اسلامی مانند آنچه در مدینه یا مکه بوده، وجود یک محور مقدس اهمیت خاصی دارد. این محور مقدس می‌تواند برای همه ساکنان آرام‌بخش باشد. مسجد خانه خدات و گویی خداوند در آن حضور بیشتری در مقایسه با نقاط دیگر دارد. به‌عبارتی جایی است که آدمیان در این محل با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند، هر بار مشکلی دارند آنجا حاضر شده و نماز می‌خوانند. طرح مکه به‌عنوان یک شهر "مسجدالحرام‌محور" یا مدینه به‌عنوان "مسجدالنبی‌محور" الگویی برای شهرسازی اسلامی بوده و در آن همان "محور مقدس" مهم است که گویی زمین یعنی سکونت آدمیان را با آسمان پیوند می‌زند. *ابن‌خلدون* در فصل ششم مقدمه خود در بحث از مساجد و بیوت معظم جهان می‌گوید: "باید دانست که خدای سبحانه و تعالی نقاطی از زمین را گرمی شمرده و به‌عنایت خویش اختصاص فرموده و آنها را جایگاه پرستش خود قرار داده است که در این گونه جایگاه‌ها ثواب و اجر عبادت آدمی را دوچندان می‌کند و به زبان فرستادگان و پیامبران خود به ما خبر داده است تا از این راه بندگان خود را مشمول مهر و احسان خویش سازد و طرق سعادت ایشان را آسان فرماید" [10]. وی پس از شرحی درباره اهمیت مساجد بزرگ در بیت‌المقدس و مکه می‌نویسد "با توجه به عظمتی که خداوند برای این مساجد قابل شده، می‌توان به یکی از اسرار خدا در جهان هستی پی برد که چگونه امور دین و دنیا را بر ترتیب استواری به‌تدریج و با گذشت زمان بنیان می‌نهد".

یک رجل سیاسی نوگرا و همزمان مذهبی، در اندیشه تاسیس یک محله جدید بر محوریت مسجد - مدرسه که پیش از این به‌عنوان نهادی برای حوزه علمیه به کار می‌رفت، اکنون به‌عنوان مکانی ضمیمه‌شده به مسجد، که در آن علوم اسلامی، حدیث، تفسیر و فقه آموزش داده می‌شد، با آهنگی طبیعی به‌آرامی رشد کرد و احتمالاً موجب تغییری عمده در سبک تدریس متداول شد. همزمان با ایجاد نیازهای مربوطه [11]، ترکیبی از یک بنا را همراه با معماری ویژه پدید آورد و تلاش کرد تا این مجموعه را از نظر کالبدی چنان طراحی کند که تمامی نیازهای لازم یک جامعه اسلامی را در بر گیرد.

پرسش‌های پژوهش

مساجد در شکل نهایی خود در میان جامعه مسلمین و در تمدن اسلامی مناسب‌ترین فضا برای خودسازی، جامعه‌سازی و سیر همه انسان‌ها از زندگی مادی و طبیعی به زندگی معقول و ملکوتی در پرتو هدایت و رهبری انسان کامل یا انسان افضل هستند [12].

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بررسی ارکان موجود در مسجد - مدرسه به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱) مسجد - مدرسه سپهسالار چگونه توانسته است نیازهای محلی را در معماری خود جای دهد؟

۲) با توجه به زمان ساخت این بنا (حد فاصل دوران گذار از سنت‌گرایی به عصر جدید) اندیشه نوگرایانه و سنت‌گرایانه *سپهسالار* در این معماری چگونه خود را نشان داده است؟

عزل او در سال ۱۲۹۷ قمری بر شتاب او در به پایان رساندن کار مدرسه افزود و در هفتم شوال ۱۲۹۷ قمری وقف‌نامه را نوشت و در مجلسی با حضور روحانیون معروف زمان در خانه خویش صیغه وقف را جاری کرد. البته ملی‌گرایی امیرکبیر به مراتب قوی‌تر از آن چیزی است که در این زمینه از سپهسالار می‌شناسیم، اما از زاویه ترکیب سنت‌گرایی و تجدد، می‌توانیم این دو را در یک مسیر به حساب آوریم.

او می‌توانست در داخل شهر، محلی را برای بنای یک مسجد یا مدرسه یا ترکیبی از هر دو انتخاب کند، اما حتماً علاوه بر ملاحظات مادی، تلاش کرده است تا طرحی جامع برای ایجاد یک محله، بر محور مسجد-مدرسه و دیگر بناهای مورد نیاز ایجاد کند. بدین ترتیب با در نظر داشتن آن که عمده‌ترین نقطه کانونی در هر شهر سنتی-اسلامی مساجد هستند^[17]، می‌توان اذعان داشت مسجد جامع علاوه بر نقش مذهبی خود، نقوش سیاسی و اجتماعی بسیار قوی را نیز ایفا می‌کند^[18]. در سطح محلات شهری نقش مسجد جامع را مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها بر عهده دارند که در ایام سوگواری و اعیاد مسلمین اجتماعات بزرگی در آنها شکل می‌گیرد و بازتاب فضایی آن ایجاد هویت برای محله است^[19]، و مدرسه به‌عنوان بنایی که به‌منظور خدمت به نهادی ایجاد شد، خود نوعی نوآوری در عرصه آموزش به شمار می‌آید و به‌علاوه، مدرسه عبارت بود از ایجاد نوعی تمدن ریشه‌دار که دستاوردهای جدیدی را برای جامعه در پی داشت^[11] که به مدد این تفکر نوآورانه سپهسالار می‌آمد.

نکته قابل توجه و مربوط به ما این است که تاسیس یک محله جدید در نقطه‌ای که سابقه شهری ندارد و خارج از حصارهای شناخته‌شده شهر است، براساس همین نگره یعنی ترکیب سنت و تجدد صورت گرفت.

مهم‌ترین مستند مد نظر پژوهش حاضر در این زمینه جدای از آنچه که اکنون وجود دارد، وقف‌نامه بسیار مهم این مدرسه بود. بنابراین در ادامه تلاش شده است همین نگاه براساس وقف‌نامه پیش رود.

وقف‌نامه سند اصلی نگاه ترکیبی سپهسالار

وقف‌نامه مدرسه در سال ۱۲۹۷ قمری یکی از اسناد معماری مهم دوره قاجاری به شمار می‌آید. دست کم از سپهسالار سه وقف‌نامه درباره مسجد و مدرسه شامل موارد زیر به جای مانده است:

۱) وقف‌نامه کاشی نوشته بالای طاق ایوان‌های طبقه یکم و روی چهاردیوار درونی صحن معروف به وقف‌نامه مختصر در کتیبه صحن مدرسه از قسمت بدنه راست جهت غربی شروع و به سمت بدنه چپ طرف غربی منتهی می‌شود^[1] که توسط استاد غلامرضا کاشی‌کار نوشته شده است (شکل ۱).



شکل ۱) کتیبه وقف‌نامه؛ ماخذ: نگارنده

۲) وقف‌نامه مفصل در ۷۹ صفحه که به مهر سپهسالار مهور است.

۳) وقف‌نامه‌ای که مربوط به آب قنات مهران است^[4].

دیده بود، در اینجا پیاده کند. این نکته‌ای است که به‌طور مکرر گفته شده که الگوی مسجد مدرسه سپهسالار از ایاصوفیه بود. اثبات این مدعا را می‌توان در بخشی از وقف‌نامه یافت که "گویی آصف روزگار ایاصوفیه بوزنطیای روم را به طرفه‌العین در این مرز و بوم احضار نمود"^[1].

بخشی از نوآوری‌های او در حوزه خدمات عمومی می‌تواند ما را با عمق افکار ترکیبی وی آشنا کند. افکاری که در آخرین مرحله زندگی او در تاسیس مدرسه-مسجد به‌عنوان هسته مرکزی یک محله تازه همراه با بناهای خدماتی و جنبی بود. نمونه‌ای از اصلاحات وی در امور دیوانی، از مسایل شکلی تا محتوایی، در برخی از منابع بررسی شده است^[14]. تاسیس پست‌خانه و تمبر پستی و چندین مدرسه که بتواند خدمات مجانی آموزشی به اطفال و نوجوانان بدهد، از جمله کارهای اجتماعی او هستند.

به نظر می‌رسد سپهسالار با در نظر داشتن اینکه اسلام در ماهیت و اساس خود مذهبی با گرایش اجتماع شهری است^[8]، نکته‌ای که از قدیم مورد قبول فلاسفه و متکلمان اسلامی بوده است، آن چنان که علامه حلی می‌گوید: "انسان اساساً مدنی بالطبع است و نمی‌تواند به‌تنهایی زیست کند" و توجه به این نکته که آدمی باید در تعامل با دیگران خوراک، لباس و مسکن خویش را سامان بدهد^[15]، اقدام به ساخت مسجد یا به عبارتی "ساخت محیط" کرده است؛ در واقع "ساخت محیط" باید بیشتر اجتماع‌محور باشد یا اینکه زمینه‌های تقویت روابط و تعاملات اجتماعی را مهیا کند^[8].

همان‌طور که ذکر شد مسجد-مدرسه سپهسالار آخرین طرح وی به‌عنوان حاصل زندگی او برای ایجاد یک فضای مدرن در حاشیه شهر است که بتوان به‌تدریج مرکزیتی برای یک محله مدرن و شاید مشابه آنچه در استانبول دیده است، پیدا کند.

اگر ادعا کنیم که سپهسالار با تاسیس این بنا خواسته است در یک مقیاس خرد، محله‌ای شبیه محلات مدرن استانبول ایجاد کند، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم، هرچند اثبات آن به مقالی دیگر نیازمند است.

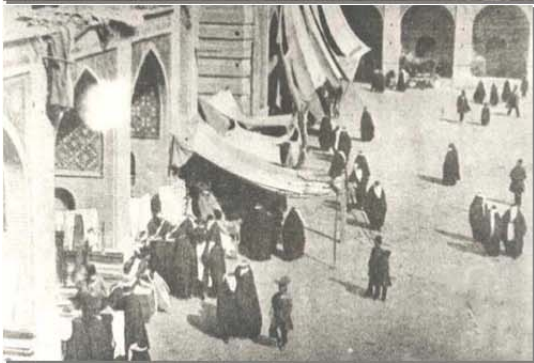
سپهسالار مذهبی

بدون شک باید گفت سپهسالار یک فرد مذهبی است، هرچند در آستانه عصر جدید و تأثیرپذیری از تحولاتی که همزمان در ایران و عثمانی به پیروی از غرب صورت گرفت، سعی کرد خود را از وضع سنتی گذشته جدا و دنیای تازه‌ای را بنا کند، اما این که کسی تصور کند سپهسالار از مذهب و دین فاصله گرفته و صرفاً در "اندیشه ترقی" بدون سنت‌گرایی بوده است درباره وی پذیرفتنی نیست. به عبارت دیگر شخصیت سپهسالار بین دو دیدگاه زیر قرار دارد:

۱) دیدگاهی وی را فردی غیرمذهبی، غرب‌گرای صرف و حتی لایالی نسبت به مذهب نشان می‌دهد^[16]. همین دیدگاه را از زاویه دیگر کسانی باور دارند که روی عدم اعتقادات سنتی وی تأکید کرده و او را سررشته‌دار نوگرایی در ایران در عرصه حکومت و سیاست می‌دانند.

۲) اما دیدگاه دیگر، وی را فردی کاملاً مذهبی می‌داند که تلاش می‌کند دین را با تجدد آشتی دهد. بخشی از تلاش‌های وی در مقام صدر اعظمی، اصلاحات اجتماعی و آموزشی در قیاس رخدادهایی است که در غرب رخ داد و ادامه کارهای امیرکبیر به حساب می‌آیند. دهخدا درباره دلایل بنای این مسجد و مدرسه می‌نویسد: "سپهسالار در سال ۱۲۲۶ قمری که خود را از گرفتاری به سرنوشت امیرکبیر در امان نمی‌دید در صدد برآمد اثر نیکی از خویش به یادگار گذارد، پس نقشه ایجاد جامع و دانشگاهی همچون جامع الازهر (الازهر مصر) را ریخت و در زمینی که در جنوب باغ خانه خود داشت پی‌های آن را استوار ساخت،

بود[22]، اما آنچه در اینجا اتفاق افتاده و در دوره قاجاری کم‌مانند است، طرح تاسیس یک محله بر محور یک مسجد- مدرسه است. الگوی جغرافیایی مجموعه بهارستان از این نظر تفاوت اساسی با مجموعه‌های هنری مانند چهارباغ اصفهان یا نقش جهان داشت که (آنها) در زمان ساخت (عصر صفویه) در مرکز شهر واقع بودند[4].



شکل ۲) تصاویر مختلف از مسجد سپهسالار در ایام ماه رمضان[21]

۳) سوم آن که معالاسف تاکنون روی این وقفنامه به‌عنوان یک سند

وقفنامه مسجد- مدرسه مانند اغلب وقفنامه‌های اسلامی- ایرانی مشتمل بر اصل وقف، رقبات وقفی، تعیین متولی و نیز هزینه‌های جاری و بسیاری از جزئیاتی است که می‌تواند منبع مهمی برای تاریخ آموزش و نیز مسایل دیگر باشد.

اما زاویه‌ای که به آن پرداخته شده توجهی است که در این وقفنامه روی مساله معماری این مجموعه صورت گرفته، اصطلاحات و مهم‌تر از آن نگاهی است که برای طراحی این مجموعه شامل مسجد و بناهای خدماتی در مقیاس محله، براساس نگره ترکیبی مورد بحث است.

اساس قرارگرفتن یک وقفنامه برای شناخت تاریخ معماری بسیار مهم است زیرا در این سند و اسناد مشابه اجزای مورد نیاز نشان‌دهنده ضرورت، جایگاه و چگونگی یک بنا در قالب یک اثر معماری وجود دارد. در اینجا لازم است چهار نکته زیر در نظر گرفته شود:

۱) نخست آن که این وقفنامه فارغ از این که هدف اصلی آن تاسیس یک مرکز برای یک محله است، در حد درونی یک مجموعه کامل از مدرسه، مسجد، حمام و دارالشفای را در بر می‌گیرد. ظاهراً این مجموعه غالباً برای طلاب است، هر چند در برخی از موارد استفاده عام در نظر گرفته شده است، چنان که در وقفنامه ذکر شده که مدرسه، بنامها از حجرات فوقانیه، تحتانیه، زوایا و ما یلحقها وقف است بر "طلبه علوم" و محصلین فنون، تا طبق تکالیف مقرر در حق ایشان در آن سکنی گرفته و به تحصیل و تکمیل اشتغال جویند. هشت مدرس معین برای تدریس مدرسین، تالیان ایشان، معلمین ریاضی، مقدمات، ادبیات، حکیم‌باشی دارالشفای، مباحثه و مذاکره طلاب و تعلمین وقف است. صحن مدرسه، دهلیز و حوض و حیاط خلوت‌ها و مایتلوها عینا و عرصه وقف است بر "جمهور مسلمین" که از منافع متعارفه هر یک از آنها منتفع گردند یا آنجا که مکتب را برای "اطفال مسلمین" در نظر گرفته است[1]. به عبارت دیگر، عدالت اجتماعی و یکپارچگی به‌عنوان یکی از مبانی تعبیر امت اسلام، تعیین‌کننده الگوی کاربری زمین‌های شهری مسلمانان نیز بود، بنابراین در محیط سنتی هر یک از اعضای جامعه می‌توانست به‌طور یکسان از فضاهای عمومی و امکانات تجاری و مذهبی استفاده نماید[8].

۲) دوم این که در میان اسناد وقفنامه‌ای موجود که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق آنها، به یک بنای مشخص مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، سقاخانه و غیره مربوط هستند با وقفنامه‌ای روبه‌رو هستیم که اساس و بنیاد یک محله را البته بر محور مسجد- مدرسه طراحی می‌کند. آن چنان که در وقفنامه آمده است بفرمود: "تا مهندسان اقلیدس اندیشه و معماران سنماریشه، در قبه‌الاسلام طهران، از اراضی مجاوره سرای محروس وی، عرصه‌ای را که خاکش مانند زمین یونان دانش‌انگیز و فرهنگ‌آمیز، هوایش مانند نسیم جنان مایه نشاط است و روان انبساط، برای تاسیس ابواب‌البری شگرف اختطاط کردند و سرکاران نکته‌گیر و مباشران مشکل‌پذیر، بنایان شیده و استادان میکلائر صنعت و غیره حاضر آوردند و جامعی کبیر و مدرسه منیع و مارستانی حصین، دبستانی قویم، کتابخانه، محیط و گرمابه وثیق و آگیری عمیق ایجاد کردند" [1]. به عبارت دیگر، با توجه به قرارگرفتن این مجموعه در یک عرصه جدید شهری، بدون شک، زمینه را برای ایجاد یک محله بزرگ در اطراف آن فراهم کرده و بدون تردید چنین مطلبی در ذهن واقف بوده است، چنان که مسجد نه‌تنها مهم‌ترین مسجد شهر بلکه فضایی برای تفریح و خرید به‌ویژه در ایام ماه رمضان بود. قهرمان میرزاسالور این وضعیت را در رمضان سال ۱۳۱۲ قمری چنین توضیح می‌دهد: "یک روز مسجد سپهسالار رفتم. به همان وضع سال‌های گذشته بود. زن و مرد بی‌اندازه، اسباب زیاد از هر قبیل چیده‌اند. در توی مسجد زن و مرد از هم جدا، سمتی زن و سمتی دیگر مرد بود" (شکل ۲) [20].

طبعاً بنایی مانند ربع رشیدی به همین صورت اما در قالب یک شهر

معماری کمتر توجه شده است. به‌ویژه نظریه اصلی این پژوهش، یعنی نگره ترکیبی سنت و تجدید در آن برای اولین بار طرح می‌شود. چهارم آن که اصطلاح "نه ضرر، نه ضرار" یکی از اصولی است که مکرراً در رابطه با موضوعات ساختمانی و شهرسازی در محیط سنتی مسلمانان مورد استفاده قرار گرفته و در طراحی این مجموعه به‌خوبی نمایان است. این اصل رویه و سیاستی در طراحی و شهرسازی برای توصیف یک محیط بدون تخلف بود، در نتیجه انسان می‌تواند مادامی که آسیبی متوجه دیگران نشود، به طراحی، سامان‌دهی یا تغییر "ساخت محیط" پردازد [8]. در کتاب کافی ثقة‌الاسلام کلینی (متولد ۳۲۸ قمری) بابی تحت عنوان "باب الضرار" آمده که ضمن آن احادیث قابل توجهی درباره حل و فصل تعارضات موجود میان زمین، مسکن و زراعت درج شده است. در این احادیث اساس بر نوعی تعامل اجتماعی افرادی است که در یک محیط اجتماعی و مسکونی زندگی می‌کنند و تصرفات ملکی آنها نباید به دیگران آسیب برساند. در موردی وقتی رفت‌وآمد شخصی نزدیک درختان خرما سبب می‌شد فرد بدون اجازه از ملک دیگری عبور کند، پیامبر مانع او می‌شدند و می‌فرمودند "درخت او را بکنید؛ اذهب، فاقلعها و ارم بها، فانه لا ضرر و لا ضرار؛ درخت او را کنده و دور بیندازید هیچ‌کس حق ندارد به دیگری ضرر برساند" [23].

اسلام به‌گونه‌ای استثنایی همسایه‌داری را به‌مثابه ستون فقرات امت می‌داند و برای آن مجموعه‌ای از اصول اخلاقی در نظر گرفته است که به نوبه خود تکالیفی هستند که به بهبود، ارتقا و کنترل همسایه‌داری کمک می‌کند [8]. مفهوم "جار" یا همان همسایه با توجه به موقعیتی که در فرهنگ اسلامی دارد، یک واژه کلیدی در حیات اجتماعی و اصول اخلاقی مورد نظر دین است. امام علی^ع می‌فرماید: "وقتی رسول خدا به مدینه آمد، قراردادی میان مهاجران، انصار و کسانی که به آنها در شهر یثرب خواهند پیوست، نوشت و در آن این جمله را به‌عنوان یک تعهد عمومی نوشتند که همسایه مانند خود آدمی است، نه ضرر و نه گناه نباید میان آنها باشد. حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت مادر است؛ اَنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرُ مَضَارٍّ وَلَا أَيْمٌ وَ حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ" [23].

اجزای بنا براساس وقف‌نامه

اجزای بنا براساس آنچه در وقف‌نامه فی تبیین الاوقاف و توابعها آمده شامل موارد زیر است:

مسجد: بتمامه از مقصوره، شبستان و مایتبعهما وقف است بر عموم مسلمانان که در آن به صلوة، اعتکاف و دیگر وظایف عبادات و اعمال مباحه قیام نمایند.

مدرسه: بتمامها از حجرات فوقانیه و تحتانیه، زوایا و ما یلحقها وقف است بر طلبه علوم و محصلین فنون تا طبق تکالیف مقرر در حق ایشان در آنها سکنی گرفته و به تحصیل و تکمیل اشتغال جویند، هشت مدرس معین وقف است برای تدریس مدرسین، تالیان ایشان، معلمین ریاضی، مقدمات، ادبیات و حکیم‌باشی دارالشفای مباحثه و مذاکره طلاب و تعلمین، صحن مدرسه، دهلیز و حوض، حیاط خلوت‌ها و مایتلوها عینا و عرصه وقف است بر جمهور مسلمین که از منافع متعارفه هر یک از آنها منتفع شوند.

مخزن کتابخانه: وقف است برای حفظ کتب موقوفه مدرسه و سکنای کتابدار و مرادده امین صندوق نقد و دو نفر حافظ کتب و بر صنف اشخاصی که اهلیت انتفاع من حیث المطالعه و تصحیص النسخه و استنساخ از روی کتب موقوفه را داشته باشند و اشخاصی که برای اصلاح و استنساخ کتب برای مدرسه به اذن کتابدار به آنجا دعوت می‌شوند از قبیل صحاف، کاتب، مذهب، مصحح و امثال ایشان.

مکتب‌خانه: وقف است بر چهار نفر معلم و دو نفر مشاق و یک‌صد نفر شاگرد از اطفال مسلمین و یک نفر خادم مخصوص آنجا و اشخاصی که

ضروره به آنجا مرادده می‌نمایند.

دارالشفای: بجمیع مافیها من الحجرات و غیرهها وقف است بر حکیم‌باشی و دو طبیب و عملجات دارالشفای و بیست نفر مریض نوعاً از طلاب و سایر عملجات و خدمه مدرسه و اطفال مکتب‌خانه و سایر مرضای مسلمین با رعایت تقدیم الاخص ثم الاخص و اشخاصی که ضروره به آنجا مرادده نمایند.

حمام: وقف است بر خصوص طلاب و کسانی از مسلمین که در مسجد احیا یا اعتکاف بدارند یا بر موقوف علیهم مهمان شده در مدرسه بیتوته کرده باشند یا متولی و نایب‌التولیه، ناظر، مدرسین منقول و معقول ادهم به آنها اذن داده باشند.

مطببخ: بالآله و اسباب وقف است بر طلاب و اهل مریض‌خانه و سایر موقوف علیهم و برای طبخ روضه‌خوانی مخصوص واقف و طبخ کسانی که بخواهند اهل مدرسه را در مدرسه اطعام نمایند یا در مسجد و مدرسه تعزیه‌داری سیدالشهدا (ارواحنا الفدا) بر پا دارند ولی روضه‌خوانی باشد نه شبیه‌سازی.

انبار آب: وقف است بر عامه مسلمین که از آن رفع حاجت نمایند (شکل ۳) [1].



شکل ۳) دورنمای مسجد-مدرسه سپهسالار و محلات پیرامون آن در سال ۱۳۱۰؛ ماخذ: آرشیو داریوش تهامی

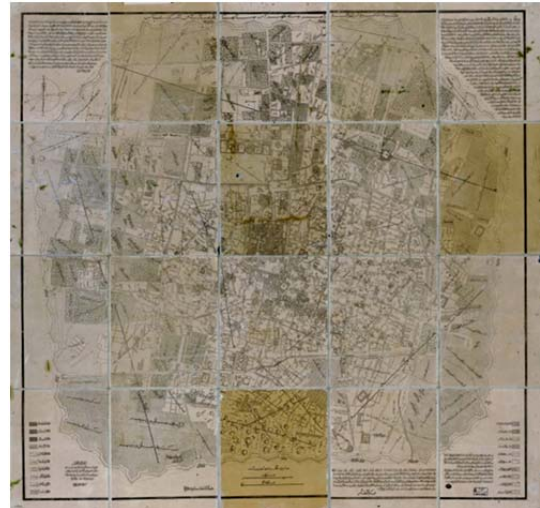
بررسی پایداری و استمرار اهداف سپهسالار در محلات اطراف مسجد-مدرسه سپهسالار در دوره‌های مختلف

در سالیان دراز اگرچه باغ موقعیت پیشین خود را از دست می‌دهد اما جلوخان به عرصه‌های عمومی بدل شده است که اینک می‌رود تا هویت خود را از موقعیت شهری جدید خود در یک محله نوساز، محله دولت و عناصر شهری نوخواهانه‌ای که در پیرامونش مستقر شده‌اند (عمارت بهارستان و مسجد سپهسالار) بگیرد. عناصری که پیش از پایان دوره ناصری کارکرد بناهای حکومتی از سنخ خود را برای دربار به دست آورده‌اند؛ مسجد-مدرسه سپهسالار نمود مهم‌ترین مسجد شهر را یافته است، باغ و عمارت بهارستان کارکردهای باغ نگارستان و لاله‌زار را عهده‌دار شده‌اند. نوعی دگرگونی که نشان از خواست نوپردازانه دوران قاجار در میانه محله‌ای دارد که "دولت‌مندان" را در خود جای داده است. محله‌ای که دربرگیرنده مفهومی نو در فرهنگ سکونت جامعه ایرانی است. در محلات فرادست- فرودست به‌جای جایگزینی مردمان براساس قوم، نژاد و مذهب که مشخصه شهر سنتی ایرانی بود، نوپردازی کالبدی با نوپردازی اجتماعی در شهر نوظلب ایرانی همراه می‌شود [24] و از آنجا که اکثر فعالیت‌های مسلمانان در ابعاد اجتماعی صورت می‌گیرد، تأمین فضاهای مناسب برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی در حوزه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است (شکل ۴) [1, 12].

در این سالها اتفاقات متفاوتی بر بنا رخ داده است. این بنا دارای سه ورودی در بخش شمالی بوده که به علت احداث کتابخانه مجلس در دوره پهلوی دوم به دستور سردار فاخر حکمت، رییس مجلس، کتابخانه مرکزی در کنار دیوار حایل میان مسجد و مدرسه با باغ نهاده شد^[4]، که گفته می‌شود طراحی آن را مهندس سیحون در سال ۱۳۴۲ شمسی بر عهده داشت و سبب بسته شدن درهای شمالی شد. بدین ترتیب ارتباط این قسمت از بنا با باغ بهارستان برای همیشه قطع شد (شکل‌های ۵ و ۶) [13].

در این سالها اتفاقات متفاوتی بر بنا رخ داده است. این بنا دارای سه ورودی در بخش شمالی بوده که به علت احداث کتابخانه مجلس در دوره پهلوی دوم به دستور سردار فاخر حکمت، رییس مجلس، کتابخانه مرکزی در کنار دیوار حایل میان مسجد و مدرسه با باغ نهاده شد^[4]، که گفته می‌شود طراحی آن را مهندس سیحون در سال ۱۳۴۲ شمسی بر عهده داشت و سبب بسته شدن درهای شمالی شد. بدین ترتیب ارتباط این قسمت از بنا با باغ بهارستان برای همیشه قطع شد (شکل‌های ۵ و ۶) [13].

دنباله ایوان شمالی که سالها پیش از این گلخانه زمستانی مدرسه بود از سال ۱۳۱۰ شمسی به تالار سخنرانی، تدریس، وعظ و تبلیغ تبدیل شده است. حالا این تالار محل دارالقرآن و بسیج مجموعه است. کتابخانه جدید مدرسه سپهسالار چنان که اشاره شد فضای باز جنوبی باغ بهارستان در دوره پهلوی به ساخت کتابخانه‌ای برای مدرسه- مسجد اختصاص یافت. در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ شمسی بخشی از زمین باز پشت ایوان شمالی مسجد و با فاصله چندمتری از حجره‌ها و مناره ساعت، به ساختمان فرهنگستان اختصاص یافت^[4]. بخش فرسوده جنوب شرقی مسجد پشت به شبستان زمستانی که زمانی گرمابه و سرویس‌های بهداشتی مدرسه را در خود جای داده بود، در اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی تخریب و به جای آن بنایی ناهمگون با مجموعه‌ای برای کلاس‌های درس و اداری مدرسه، ناهارخوری و سرویس‌های بهداشتی ساخته شد. در این قسمت قبلاً دو حیاط مستطیل شکل وجود داشت که در حال حاضر از بین رفته‌اند.

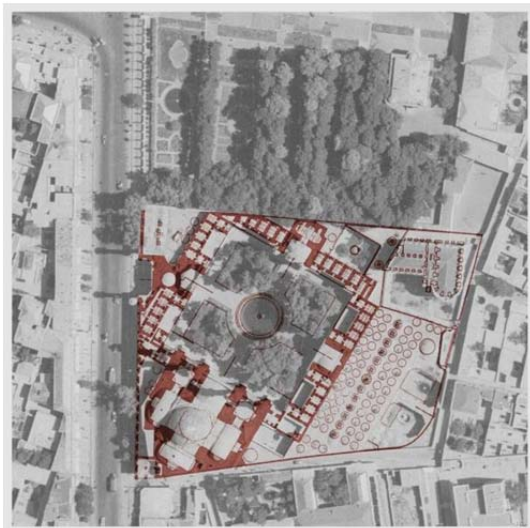


شکل ۴) نقشه عبدالغفار

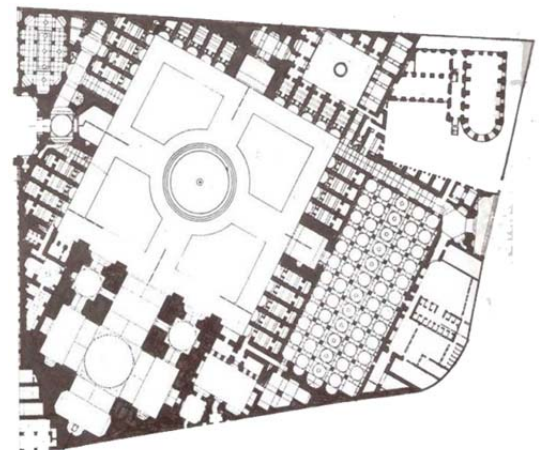
در کنار سردر (عمارت مجلس)، حمامی قرار داشت که به همراه سردر تخریب شد. گویا این حمام بر مسجد و مدرسه سپهسالار وقف بود. رفت‌وآمد طلاب برای استحمام، از مشکلات مجلس بود. به همین دلیل در اوایل دهه ۱۳۳۰ قمری آن را با مسجد مبادله (شرعی) کردند^[4]. انطباق پلان وضع موجود با عکس هوایی سال ۱۳۳۰ شمسی صورت گرفت (شکل ۷)، در این شکل در بخش جنوب شرقی مسجد تغییرات، تخریب و نوسازی سال‌های ۱۳۷۰ شمسی به وضوح قابل دیدن است.



شکل ۵) باغ سپهسالار و مسجد در زمان ساخت در این عکس درهای شمالی که بعدها به علت ساخت کتابخانه مسدود شد، مشاهده می‌شود



شکل ۷) انطباق پلان وضع موجود با عکس هوایی سال ۱۳۳۰ شمسی در بخش جنوب شرقی مسجد تغییرات، تخریب و نوسازی سال‌های ۱۳۷۰ به وضوح قابل دیدن است؛ (ماخذ: نگارنده)



شکل ۶) پلان وضع موجود مسجد- مدرسه؛ ماخذ: آرشیو کتابخانه مسجد- مدرسه سپهسالار

از محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم دسترسی بودن منابع تصویری و نقشه‌ها در گذر زمان است. البته فرارگیری این مسجد و مدرسه در موقعیت خاص سیاسی این مشکل را دو چندان می‌نمود. پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آتی مرکزی از جمله

- Tourism Organization Publication; 2004. p. 237. [Persian]
- 3- Kiani MY. Iranian architecture of the Islamic period. 3rd Edition. Tehran: Samt; 2000. p. 137. [Persian]
- 4- Bastanirad H. Baharestan in the history. Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament; 2011. [Persian]
- 5- Adamiyyat F. The idea of progress and the rule of law, Sepahsalar era. 2nd Edition. Tehran: Kharazmi; 1977. p. 6. [Persian]
- 6- Ayatollah Zadeh Shirzai B. Isfahan School Meeting: Proceedings of Architecture and Urban Planning. Tehran: Iranian Academy of Arts; 2008. [Persian]
- 7- Naghizadeh M. Islamic urban design and architecture (The pretical bases). Isfahan: Rahiyan; 2006. p. 506. [Persian]
- 8- Mortaza H. Traditional Islamic principles of built environment. Meshkini A, Habibi K, Farjami A, Tabarsa MA, Hamzheeh M, Poosti SA, et al, translators. Tehran: Center of Study and Research on Urbanism and Architecture; 2008. [Persian]
- 9- Jafariyan R. Islamic monuments of Mecca and Madina. 3rd Edition. Tehran: Mash'ar; 2010. p. 238. [Persian]
- 10- Abd al-Rahman Ibn Muhammad Ibn Khaldun. Introduction of Ibn Khaldun. Parvin Gonabadi M, translator. Tehran: Scientific and Cultural Publication Company; 1996. p. 689. [Persian]
- 11- Hillenbrand R. Islamic architecture: Form, function, and meaning. Ayatollahzadeh Shirazi B, translator. Tehran: Rozaneh; 2001. p. 173. [Persian]
- 12- Noghrekar AH. An Introduction to Islamic Identity in Architecture. Tehran: Payam Sima Design and Publishing Company: Ministry of Housing and Urban Development, Urban Architecture and Design Office; 2008. [Persian]
- 13- Hadaegh Ibn Yusef Shirazi. Library catalog of Sepahsalar high school. Tehran: Majles; 1934. [Persian]
- 14- Adamiyyat F. Public services and other innovations. In: Adamiyyat F. The idea of progress and the rule of law, Sepahsalar era. 2nd Edition. Tehran: Kharazmi; 1977. pp. 448-59. [Persian]
- 15- Al-Allama al-Hilli. Dignity platform to know Imamate (Minhaj al-karama fi ma'rifat al-imama). Mobarak AR, editor. Mashhad: Tasou'a; 2000. p. 113. [Arabic]
- 16- Ghadre Velayat Cultural Institute. The history of the West's cultural invasion and the role of the affiliated intellectuals. 3rd Volume. 3rd Edition. Tehran: Ghadre Velayat; 1998. [Persian]
- 17- Taheri FH. Urban elements of traditional Islamic cities [Dissertation]. Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology; 1980.
- 18- Habibi M. From city to city: Historical analysis of city concept and its physical appearance, thinking and effects. Tehran: Tehran of University; 2005. p. 42. [Persian]
- 19- Einifard AR. The dominant role of early general patterns in the design of contemporary residential districts. Honar Ha Ye Ziba. 2007;32(32):39-50. [Persian]
- 20- Salour GM, Saloor M, Afshar I. The newspaper of Eyn al-Ssaltaneh memories. Tehran: Asatir; 1995. p. 708. [Persian]
- 21-Farahmand J. Sepahsalar mosque and school. Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies. Unknown Year. [cited 2016 May 20] Available from: <https://bit.ly/2SOEChC>
- 22- Hamedani RF. Waqf nameh Rabe Rashidi. Minavi M, Afshar I, editors. Tehran: National Phenomena Association; 1977. [Persian]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یا کتابخانه ملی ارشیو اسناد اینچنین مجموعه‌هایی را فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

- ۱) مسجد- مدرسه سپهسالار الگویی در این مسیر است که تغییرات کالبدی در شهرسازی و در نتیجه تغییرات در سبک تدریس یا به عبارتی آموزش عالی در هر دوره از زمان نه‌تنها ترکیبی از یک بنا را به همراه دارد، بلکه می‌تواند نیازهای جامعه را در بر گیرد.
- ۲) اعتبار بناها به ارزش بالای آنهاست، بنابراین بنایی را می‌توان با ارزش دانست که علاوه بر رعایت اصول و معیارهای استاندارد معماری و شهرسازی، آینده‌نگری در اهداف ساختار داشته باشد.
- ۳) مسجد و مدرسه سپهسالار از جمله بناهای "ارزشمند" است که تاکنون به صورت یک مسجد شیعی به حیات خود ادامه داده و نمونه‌ای از دستیابی به پاسخی عملی برای نجات بخشی بافت شهری در احیا و ترویج تفکر شیعی است.
- ۴) ترکیبی مانند مسجد- مدرسه سپهسالار می‌تواند الگویی در معماری معاصر برای تحقق نگاه سنتی و مدرن باشد. اهداف فلسفه موثر بناهای مذهبی مانند مسجد- مدرسه سپهسالار می‌تواند در تحقق شناخت حقوق اجتماعی افراد و تعیین حدود آن در ارتباط با قدرت دولت به صورت منطقی در دوره‌های مختلف در ساختار شهر به حیات خود ادامه دهد.
- ۵) مساجد موفق نقش مهمی در شناساندن مسئولیت دولت در تامین رفاه مردم بر عهده دارند.
- ۶) آینده‌نگری در مدیریت شهری می‌تواند به تربیت جامعه در آشنایی با حقوق خویش و همکاری اجتماعی منجر شود.
- ۷) مساجد و مراکز مذهبی باید قلب و کانون روح‌بخش و معنویت‌آفرین و تفکربرانگیز شهرها و محلات باشند.
- ۸) مساجد و مراکز مذهبی در کنار نهادهای فرهنگی باید با شکوه‌ترین و برجسته‌ترین نماد شهرهای اسلامی باشند و در عین حال عظمت را با لطافت و سادگی توأم نمایند.
- ۹) طراحان و برنامه‌ریزان، بدون آگاهی از اصول اسلامی، معانی و منابع آنها، قادر به ایجاد یک "ساخت محیط" کاملاً منطبق با اصول اسلامی نخواهند بود.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از دکتر عباس بازرگان‌هرندی استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دکتر رسول جعفریان استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تشکر و قدردانی دارند.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.
تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: فاطمه روحانی قوچانی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۷۰٪)؛ داراب دیبا (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی (۲۰٪)؛ محمدرضا نصیراسلامی (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (۱۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

منابع

- 1- Sahab A. History of Sepahsalar high school. Tehran: Unknown publication; 1950. [Persian]
- 2- Bozorgnia Z. Iranian architects: From the early era of Islam to the late Qajar. Tehran: Cultural Heritage and

24- Ahari Z, Habibi SM. Baharestan square: Experience of innovation in urban space of Iran. Tehran: Cultural Research Bureau; 2014. p. 55. [Persian]

23- Muhammad Ibn Ya'qub ibn Ishaq al-Kulayni al-Razi AJ. The sufficient book (Kitab al-Kafi). 4th Volume. Tehran: Islamieh; 1989. [Persian]